نقد رویکرد دوآلیستی در هوش مصنوعی و اشراق روح به آن

شاگرد: بیشتر عکس آن منظور بنده است؛ یعنی فرض کنید اگر هنوز اشراق صورت نگرفته باشد، آیا هنوز آن احساس «انا» را دارد؟ مثلاً ماشینی به حدی برسد که هنوز اشراق نباشد ولی به حدی رسیده که پایه‌اش احساس «انا» را آورده.

استاد: اینکه در ماشین اشراق صورت بگیرد، قبلاً در مورد مقاله آن آقا صحبت کردیم؛ ماشین نفس‌مند. آنگونه دوگانگی‌ای که در آن مقاله بود را من عرض نکردم. اتفاقاً اینکه او می‌گوید نفس به این تعلق بگیرد، بر خلاف روش و مبنایی است که من جلو می‌روم. من می‌خواهم عرض کنم که ما چه‌کار داریم که از بیرون عالم فیزیکی، تأثیر گذاشته شود - در ماشین باشد یا در بدن؟! در جای خودش به آن می‌رسیم و هیچ منافاتی هم ندارد. فعلاً چون این تکنیک است و دارد جلو می‌رود، می‌خواهیم ببینیم این تکنیک از حیث فراهم کردن پایه، چه اندازه به ما قدرت می‌دهد؟ اینکه آن بیرونی کار خودش را بکند یا نه را کار نداریم. ایشان فرض گرفت که ما شرائط را به اندازه کافی جلو می‌بریم، تا این ماشین اینگونه شود؛ خُب می‌شود یا نمی‌شود؟

الآن در هوش مصنوعی روشی دارند به نام الگوی تکاملی. الگوی تکاملی که در هوش مصنوعی دارند، ربطی به اصل نظریه نهائی تکاملی داروین ندارد و تنها از آن الگو گرفته است؛ مثلاً می‌خواهد مسأله انتخاب طبیعی را در یادگیری ماشین پیاده کند. ماشین که می‌خواهد الگوها را جلو ببرد و یاد بگیرد، در یادگیری ماشین الگوی تکاملی اجرا می‌شود؛ یعنی ریخت انتخاب طبیعی را اجرا می‌کند. اما آنچه که ادعای تکامل داروینی است که می‌گوید اصل در همه چیز به یک جا بر می‌گردد و روی مبنای آنها خالصه ما الآن با چیزهایی مواجه هستیم که آنها می‌گویند تکامل پیدا کرده است. محدوده زمانی هم اگر از بیگ بنگ تا فاصله‌هایی، حیات نبوده، از اول وقتی که حیات آمده، سه میلیارد بوده؟

شاگرد: سیزده میلیارد است.

استاد: نه، بیگ بنگ سیزده میلیارد است. پیدایش حیات و DNA را عرض می‌کنم.

شاگرد: دو-سه میلیارد است.

استاد: شاید سه میلیارد است. اصل بیگ بنگ، سیزده میلیارد است. می‌گویند بعد از اینکه شرائط فراهم شد که پیدایش حیات محقق شود، در مبنای علمی آنها سه میلیارد می‌گذرد. روی مبنای علمی آنها الآن که این آقا می‌گفت ما یک ماشین درست کنیم که نفس به آن تعلق بگیرد، شما باید بتوانید تمام این مسیر سه میلیارد ساله که تکامل DNA بوده و جهش‌ها بوده، این همه موتاسیون‌هایی (Mutation) که صورت گرفته تا الآن بشر دارد کارش را انجام می‌دهد،

شما هم باید آن عقبه را برای ماشین فراهم کنید، تا نفس بتواند آن را به کار بگیرد. و الان همینطور بگویید به اندازه کافی شرائط فراهم میکنیم؟! بله، اگر بخواهید یک انسانی را شبیهسازی کنید، یا بین انسان و ماشین تعاونی را برقرار کنید؛ هر دو با هم؛ یعنی از مزاج انسان کمک بگیرد... . اما اصل عرض من این است که شما در این مسیر شرایط به اندازه کافی، به عقبه DNA متکاملِ در چند میلیارد سال نیاز دارید که آن را باید فراهم کنید. چطور فراهم میکنید؟!

شاگرد: انتخاب مصنوعی است و سرعت میدهند.

استاد: انتخاب مصنوعی یک روش بقاء است. هوش مصنوعی با این روش درست است اما من اطلاعاتش را میگویم، نه روش آن را. الآن همه اطلاعات در ژنوم انسان کشف شده؟ نه. آنچه که کشف شده، کسانی که اهل هستند میگویند شاید یک درصد باشد. منظور من این است. یعنی ژنوم انسان، الآن چیزهایی دارد که ما نمیدانیم. چطور میگویید به اندازه کافی شرائط را برای تعلق نفس فراهم کنیم؟! خُب باید اول بدانیم و بعد فراهم کنیم، اما وقتی نمیدانیم این ژنوم انسان چه چیزی در بر دارد، میخواهیم چه چیزی را فراهم کنیم؟ بله، طبق نظریه تکامل، روش را میدانیم. روی این نظریه، روش، روش انتخاب طبیعی است. لذا است که من در این مسیر نرفتم. چرا؟ چون یک فرض است. میگوییم یک ماشینی فراهم کنیم که به اندازه کافی، شرط تعلق نفس به آن فراهم باشد. خُب به اندازه کافی، داریم یا ندایم؟ میشود یا نمیشود؟ همه اینها را باید فراهم کنیم. بله، هر انسانی این را دارد.

بازبینی #3
ایجاد شده 17 سپتامبر 2024 13:36:13 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:32:57 توسط ... .